دولـــــــت حداقلی نمایندگی حداکثـری

سـال اول یـا دوم دانشـجویی‌ام در رشـته علـوم سیاسـی بـود و بحـث جهانـی شـدن هـم بسـیار داغ شـده بـود. اسـتاد محتـرم درس اصـول سیاسـت خارجی این پرسـش را در کلاس مطرح کـرد کـه جهانـی شـدن چـه تاثیـری در وضعیـت دولـت ایجـاد خواهـد کـرد؟ آیـا در ایـن مسـیر دولت تضعیف می شود یا همچنان به شکل سـابق خـود اسـتمرار مـی بخشـد؟ بـه تعبیـری نقـش دولـت در فضـای جهانـی شـدن چگونـه پیـش خواهـد رفـت؟ پاسـخ مـن آن زمـان کـه در نوشـتهٔ کوتاهـی قلمـی شـد، ایـن بـود کـه پدیـده جهانـی شـدن ممکـن اسـت اندکـی از اقتـدار و اختیـارات دولت‌هـا را کاهـش دهـد و بـه برآمـدن نهادهـای جدیـدی در سـطح جهـان کمـک کنـد امـا ایـن کاهـش قلمـرو اقتـدار نمی‌توانـد بـه نفـی و تضعیـف کامـل دولـت در بـازه زمانـی کوتاهـی منتهـی شـود. بـه ویـژه ایـن کـه سـاختارهای جدیـدی بایـد ایجـاد شـود و تـا اسـتقرار ایـن سـاختارها، زمـان طولانـی خواهـد گذشـت. بنابرایـن، دولـت همچنـان نهـاد برتـر حاکمیتـی



شـریف لکـــــزایی

دانشیار پژوهشـگاه علوم و فرهنگ اسلامی

در هر کشوری است. در طول دو سه دهه اخیر نیز همچنان بر همین نظر بوده‌ام که به رغم همه اتفاقات جهانی اما دولت‌ها همچنان اختیارات زیادی در جوامع دارند و تأثیرگذارترین نهادها در هر جامعه‌ای به شمار می‌روند.

از این رو به نظرم دولت، به معنای هیأت حاکمه یک کشور، همچنان در هر جامعه‌ای نقشی اساسی و مهم دارد و خواهد داشت. امروزه با پیدایش و گسترش شبکه‌های ارتباطی اجتماعی جدید و بهره‌گیری از فضای مجازی نیز، همچنان دولت نقش بسیار مهمی در هر جامعه‌ای دارد و البته به نظر در آینده نیز همچنان نقش و تاثیر خواهد داشت. باید اذعان کرد که رشد نهادهای غیر رسمی می‌تواند به بهبود فرایندهای رسمی دولتی نیز کمک کند و البته از سویی ممکن است زمینه قلمرو اقتدارهای جدیدی را نیز فراهم آورد که به شدت شخصی و غیر رسمی است. در این میان تنها نهادی که می‌تواند جلوی سوء استفاده نهادهای جدید را نیز بگیرد، دولت است. دولت به تعبیری، نهاد نهادها است و بنابراین با وضع و اجرای سیاست‌های اعلامی خود می‌تواند با پشتوانه مشروعیت مردمی و نهادهای رسمی موجود، منافع ملی را تامین و تضمین نماید.

مطلب مهم اما این است که این نقش نسبتاً دائمی دولت به معنای دفاع مطلق از جایگاهی که دولت دارد نیست بلکه با توجه به گستره حضور مردم و نقش آفرینی آنان در حوزه عمومی به ویژه با توجه به این که فضای مجازی این زمینه را بسط و گسترش داده است، دولت باید به سمت کوچک‌تر شدن ساختار و نهادها و سازمان‌های خود و کاهش منابع و

نیروی انسانی خود حرکت کند. یکی از محاسن اپلیکیشن‌ها و شبکه‌های مجازی اجتماعی این است که این امکان را فراهم کرده است که مردم حضور گسترده‌ای در فضای عمومی داشته باشند و بر وضع و اجرای برخی سیاست‌ها تأثیرگذار باشند. امروزه هر فردی که یک دستگاه تلفن هوشمند داشته باشد، می‌تواند به فضای گسترده جهانی متصل شود و به مثابه یک رسانه جمعی نقش ایفا کند و تأثیرگذار باشد. همین حسن می‌تواند توسط دولت مورد بهره برداری واقع شود و با گسترش دولت الکترونیک، حضور عینی دولت کم‌تر به چشم بیاید و امور عمومی و خدماتی از طرق الکترونیکی و دیجیتالی پی گرفته شود. این بهره گیری هم می‌تواند به تسریع در انجام امور عمومی منجر شود و هم سهم و عامل مداخله نهادهای دولتی را در امور به ویژه خدماتی که اکثر شهروندان با آن مواجهه دارند، را کاهش دهد. در واقع بهره گیری از اپلیکیشن‌ها و درگاه‌های مجازی برای ارایه خدمات به عموم مردم، بی آنکه به تضعیف اقتدار و نمایندگی دولت از سوی ملت منجر شود، به کوچک‌تر شدن دولت می‌انجامد و باید از آن استقبال شود.

این می‌تواند نشان دهنده آن باشد که دولت نمایندهٔ واقعی ملت است. درواقع دولت و نهادهای دولتی باید به معنای واقعی نماینده منافع عمومی مردم و کشور باشند و این البته به معنای آن نیست که دولت گسترده و با نهادهای بسیار بزرگ و نیروی انسانی گسترده باشد و در همهٔ امور مداخله نماید و یا حضور محسوس و ملموسی داشته باشد. نگاه حداقلی به دولت به معنای دفاع از حضور و برعهده گرفتن بسیاری از امور عمومی توسط مردم و نهادهای مدنی در کشور

است. نه تنها در طی چهار دهه گذشته بلکه در طول تاریخ، دولت مداخلات گسترده‌ای در راهبری حوزه عمومی داشته است که به نظر می‌رسد این مداخلات بیشتر به محدود سازی حوزه خصوصی شهروندان انجامیده است و دولت به مرور و به ویژه در دوره معاصر به شدت در ایران متورم شده و از این رو «دولت متورم» خود موانع بسیاری بر سر راه حوزه عمومی ایجاد کرده است. بنابراین به نظر می‌رسد دولت که نماینده واقعی حوزه عمومی است، باید به سمت کوچک‌تر شدن برود و به گونه‌ای سیاست گذاری انجام شود که فضا برای گسترش فعالیت مردم در حوزه عمومی مهیا شود. این زمینه با تقویت تحزب در حوزه سیاسی از یک سو و فربه کردن نهادهای مدنی از سوی دیگر قابل تحقق است.

وقتی نمایندگی دولت از جانب ملت را می‌پذیریم یعنی دولت و کارگزاران دولت حق دارند مناصب و پست‌های دولتی را عهده‌دار شوند و البته این استحقاق تا زمانی است که در جهت کسب منافع ملی حرکت و آن را نمایندگی کنند، در غیر این صورت اگر اندکی از این مسیر انحراف پیدا کنند، این حق را از خود سلب می‌کنند و باید توسط نهادهای رسمی و با حمایت ملت عزل و برکنار شوند. البته نهادهای نظارتی که در دولت و جامعه به منظور سلامت دولت و کارگزاران دولتی تعبیه شده‌اند در خط اول نظارت بر دولت هستند و باید مراقبت‌های لازم در این زمینه توسط آنها صورت گیرد.

پایه دیگر نمایندگی رضایت عمومی است. در واقع دولت و دولت مردان هم باید استحقاق حکمرانی داشته باشند و هم این مردم از حکمرانی آنان رضایت خاطر داشته باشند. در

غیر این صورت حتی در صورت استحقاق حکمرانی، می‌توان گفت حکمرانی مطلوب و کارآمد تحقق نخواهد یافت. طبیعتاً، رضایت به کارآمدی دولت و شیوه‌های حکمرانی است که در هر جامعه‌ای وجود دارد. پیامد نمایندگی فاقد استحقاق و فاقد کارآمدی، فقدان رضایت عمومی است.

بنابراین در عین حال که دولت به عنوان نماینده عمومی باید به سمت کاهش و کوچک سازی نهادهای دولتی و رسمی حرکت نماید و زمینه بهبود سیاست ورزی اجتماعی را فراهم نماید، از سویی باید زمینه کارآمدی حکمرانی را نیز مهیا سازد. کارآمدی مبتنی بر رضایت گاهی استحقاق را نیز تحت الشعاع خود قرار می‌دهد و جامعه این گونه می‌اندیشد که «الملک یبقی مع الکفر و لا یبقی مع الظلم». ناکارآمدی درواقع می‌تواند استحقاق حکمرانی را زیر سوال ببرد. محرومیت مردم از سلامت و بهداشت و آموزش و امنیت و برخورداری از ضروریات متوسط زندگی در معنایی که امام موسی صدر از محرومیت ارائه کرده است، معادل با ظلم و محرومیت مردم از حقوقشان است و به سلب استحقاق حکمرانی از حکومت می‌انجامد.



نمای درونی عمارت بهارستان